

واکاوی ویژگی‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران ۱۹۹۷-۲۰۰۵

نوع مقاله: بنیادی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.3.2.8

محمدجواد رنجکش*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۶

چکیده

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده تا مولفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌المللی نقش ایفا کند. مطرح شدن بازیگران جدید و اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی در جهان موجب شد تا کشورها برای تامین منافع خود علاوه بر روش‌های گذشته، ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار گیرند که یکی از مهم‌ترین آنها را می‌توان بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی دانست. با توجه به فرازونشیب‌های حاکم بر روابط ایران و آمریکا در دوره‌های زمانی مختلف، و با عنایت به چرخش گفتمانی در سیاست خارجی ایران به تنش‌زدایی و اعتمادسازی با جهان خارج در دوران دولت اصلاحات، دیدگاه‌ها در مورد ایران تغییر و آمریکا تلاش نمود با بکارگیری دیپلماسی عمومی در ایران به اهداف و منافع خود تحقق بخشد. از جلوه‌های بارز دیپلماسی در این دوران می‌توان به اعزام تیم‌های ورزشی، صدور روادید و تسهیل مبادلات دانشجویی، و سایر برنامه‌های علمی، فرهنگی اشاره کرد. از این روی پرسش اصلی در این اثر این است که رویکرد آمریکا به دیپلماسی عمومی در ایران از چه بارزه‌هایی در دوران اصلاحات برخوردار است؟ انگاره اولیه این است که آمریکا در این دوره بر گسترش لیبرال دموکراسی، بازنمایی مثبت از اقدامات آمریکا و تغییر فرهنگ عمومی در ایران تاکید داشته و نسبت به دوره‌های قبل، دیپلماسی عمومی آمریکا غیر رسمی‌تر و با مشارکت بازیگران غیر دولتی صورت پذیرفته است. این اثر با روش توصیفی وبا استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، آمریکا، ایران، قدرت نرم، تصویرسازی، دولت اصلاحات

مقدمه

شرایط جدید نظام بین الملل باعث شده تا مولفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌المللی نقش ایفا کند. پایان جنگ سرد و اولویت‌های امنیتی کشورها، توجه بیشتر به اقتصاد در سیاست‌های جهانی، مطرح شدن بازیگران جدید و اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی در جهان موجب شده است تا کشورها برای تامین منافع ملی خود علاوه بر روش‌های گذشته، ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار گیرند که مهم‌ترین آن را می‌توان بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی دانست. دیپلماسی عمومی، از یک منظر قابل تقسیم به دو گونه «دیپلماسی عمومی سنتی» و «دیپلماسی عمومی نوین» است. در دیپلماسی سنتی، دولت حضوری آشکار دارد اما در دیپلماسی نوین، دولت حضوری پنهان دارد و مردم کشور به عنوان کارمندانی بدون حقوق، به تعامل با مردم کشور هدف می‌پردازند و به تحقق اهداف دولت خود کمک می‌کنند. به بیان دیگر، در دیپلماسی عمومی سنتی، یک الگوی سلسله مراتبی دولت‌محور وجود دارد، اما دیپلماسی عمومی نوین، در محیط شبکه‌ای عمل می‌کند به نحوی که مردم فعالانه در دادن و گرفتن پیام مشارکت می‌کنند. دیپلماسی عمومی نوین، یک فعالیت دولتی صرف نبوده بلکه فعالیتی است که به عوامل دولتی و غیردولتی، مانند سازمان‌های غیردولتی، نهادهای آموزشی خصوصی، اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی وابستگی دارد (مبینی مقدس و عبدسرمدي، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

ایران و آمریکا در روابط خود دارای فراز و فرود هایی بوده اند. استراتژی امنیت ملی کلینتون ضمن اشاره به اهداف آمریکا مبنی بر تغییر رفتار دولت ایران، بر آمادگی برای گفتگوهای رسمی و بحث در خصوص موضوعات مورد اختلاف تاکید نمود. با پیروزی آقای سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۷ دیدگاه عمومی حاکم بر دولتمردان آمریکایی بر تغییر و دموکراتیزه شدن ایران، و اینکه ملایمت در روابط خارجی، مسیر اجتناب ناپذیری است که طی خواهد شد، تحول یافت. بنابراین با توجه به تغییرات داخلی ایران و همچنین وقوف سیاستگذاران آمریکایی به وجود حس آمریکاستیزی در ایران به مدت دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که

معلول سیاست‌های مداخله‌جویانه و خصمانه این کشور در قبال ایران بود، این مجال فراهم گردید تا با در پیش گرفتن دیپلماسی عمومی درصدد ترمیم چهره منفی خود در اذهان سیاستمداران و افکار عمومی ایرانیان برآیند. لذا پرسش اصلی در این اثر این است که رویکرد آمریکا به دیپلماسی عمومی در ایران از چه بارزه‌هایی در دوران اصلاحات برخوردار است؟ انگاره اولیه این است که آمریکا در این دوره برگسترش لیبرال دموکراسی، بازنمایی مثبت از اقدامات آمریکا و تغییر فرهنگ عمومی در ایران تاکید داشته و نسبت به دوره های قبل، دیپلماسی عمومی آمریکا غیر رسمی‌تر و با مشارکت بازیگران غیردولتی صورت پذیرفته است.

پیشینه تحقیق

بررسی کتاب‌ها و مقالات مختلف نشان می‌دهد که اکثر منابع موجود به بررسی روابط ایران و آمریکا با نگاه تاریخی به این مسئله پرداخته‌اند. در زمینه دیپلماسی عمومی هم منابع موجود صرفاً به بازکردن موضوع دیپلماسی و ابعاد آن پرداخته‌اند و منبعی که صریحاً به موضوع پیشنهادی اشاره کند، به چشم نمی‌خورد. آثار و ادبیات موجود در این زمینه را می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی کرد.

اول؛ روابط بین ایران و آمریکا

اخترشهر (۱۳۸۳) ارتباط ایران و آمریکا؛ این کتاب به بررسی ارتباط ایران و آمریکا و تاریخچه این روابط در دوران انقلاب اسلامی و شرایط کنونی می‌پردازد. بدای (۱۳۸۷) در کتاب بررسی روابط سیاسی ایران و ایالات متحده آمریکا (۱۳۳۲-۱۳۴۷) با بررسی روابط ایران و ایالات متحده آمریکا را از بعد سیاسی آن در سال‌های (۱۳۳۲-۱۳۴۷) بررسی کرده است. پولاک (۱۳۸۸) در اثر خود بنام منازعه میان ایران و آمریکا به زمینه‌های نقاط ضعف و قوت روابط ایران و آمریکا پرداخته است. جیمز بیل (۱۳۷۱) در «شیر و عقاب» به بررسی روابط ایران و آمریکا، از نخستین ۴۵

دوره‌های برقراری ارتباط تا زمان انقلاب اسلامی و سیاست‌های مختلف ایران و آمریکا که موجب شکست و یا قطع روابط شد، می‌پردازد. داد درویش (۱۳۸۴) در کتاب آمریکا (۶) ویژه دیپلماسی عمومی در آمریکا از دیپلماسی عمومی آمریکا و عملیات متقابل دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران، سازوکارها و ساختارهای آن، جایگاه دیپلماسی عمومی در استراتژی امنیت ملی آمریکا و دیپلماسی عمومی آمریکا در جهان اسلام بحث می‌کند. گازیورسکی (۱۳۷۱) در اثر خود بنام سیاست خارجی آمریکا و شاه، سیاست گذاری‌های سیاسی، اقتصادی و دگرگونی‌های آنها را در دوره حکومت پهلوی بررسی می‌کند، زمینه‌های سلطه‌پذیری شاه از آمریکا را بیان می‌کند و با پیگیری اثرات متقابل سیاست و اقتصاد بر روی هم اتفاقاتی را که تا پیروزی انقلاب در ایران رخ داد و بر روابط ایران و آمریکا حاکم بود، توضیح می‌دهد. نوازنی (۱۳۸۳) در کتاب «الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران» (سال‌های ۵۷-۸۰) به پیشینه روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب می‌پردازد و در فصل پنجم آن از ریاست جمهوری آقای خاتمی و رفتار ایالات متحده در قبال ایران و سیاست‌های ایران و نگرانی‌های ایالات متحده توضیحاتی را می‌دهد.

دوم؛ دیپلماسی عمومی آمریکا

آشنا جعفری هفت‌خوانی (۱۳۸۶) در مقاله دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف خاص به کارگیری دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایالات متحده را بررسی می‌کند. رینولد نیز (۱۳۸۹) در اثر خود به اسم «قدرت نرم سیاست خارجی آمریکا»، قدرت نرم سیاست خارجی آمریکا در برابر عراق را در سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۳ نشان می‌دهد و همچنین به تحلیل جنگ دوم خلیج فارس، ناکامی‌های نتایج جنگ، راه‌حل مساله و عناصر قدرت نرم می‌پردازد. عزیزی بساطی (۱۳۹۱) در کتاب «دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه» به دیپلماسی عمومی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و اعلان جنگ علیه تروریسم پرداخته است. مانهایم (۱۳۹۰)

در کتاب «دیپلماسی عمومی راهبردی و سیاست خارجی آمریکا» به چگونگی نفوذ کشورهای مختلف در نظام تصمیم‌سازی سیاسی ایالات متحده از طریق به کارگیری ابزارهای دیپلماسی عمومی راهبردی می‌پردازد. ایزدی و ماه پیشانیان (۱۳۹۰) در مقاله «دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه؛ تداوم یا تفاوت؟» به ساختار دیپلماسی عمومی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که آمریکا با پیروی از الگوهای سنتی دیپلماسی عمومی و ارتباطات یکسویه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، همچنان از این مقوله به عنوان ابزاری برای تبلیغات سیاسی و اقناع افکار عمومی جهان به منظور تامین منافع و اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود استفاده نموده است. محمدی و محبوبی (۱۳۹۳) در مقاله «جایگاه فرهنگ در دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه» بیان می‌کند که حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ باعث افزایش نفرت جهان اسلام نسبت به سیاست‌های آمریکا در قبال مسلمانان شد و ایالات متحده کوشید تا با اولویت دادن به دیپلماسی عمومی و فرهنگی، تصویر خود را نزد افکار عمومی مسلمانان بهبود بخشد. ناکامورا در مقاله‌ای تحت عنوان «پیشینه دیپلماسی عمومی آمریکا»، دیپلماسی عمومی این کشور را از ابتدای آن بررسی و تحولاتی را که در آن رخ داده است بیان می‌کند. گریگوری بروس (۲۰۱۱) نیز طی مقاله‌ای دیپلماسی عمومی آمریکا را شیوه یا ویژگی که در تاریخ کشور و فرهنگ سیاسی ریشه دارد می‌داند و با بررسی فرهنگ، رسانه‌های اجتماعی و بازیگران متعدد دیپلماتیک در دیپلماسی عمومی به تحولات و تغییرات آن اشاره دارد.

چارچوب مفهومی دیپلماسی عمومی

ادموند گلیون دیپلماسی عمومی را تاثیرگذاری بر افکار و احوال جامعه کشور هدف به منظور شکل دهی و اعمال سیاست خارجی تعریف می‌نماید (قشقاوی، ۱۳۸۹: ۵۶). ادوارد مارو رییس آژانس اطلاعات ایالات متحده در دولت کندی نیز دیپلماسی عمومی را به عنوان تعاملاتی نه فقط با دولت‌های خارجی بلکه ابتدا با افراد و سازمان‌های غیردولتی که اغلب به صورت دیدگاه‌های

اشخاص مختلف علاوه بر دیدگاه دولت بروز می‌کنند، تعریف می‌کند (قشقای، ۱۳۸۹: ۵۷). دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم است. نای دیپلماسی عمومی را هم‌چون ابزار قدرت نرم (قدرتی اقناعی مبتنی بر جاذبه‌های قوی خود که برای جلب موافقت عمومی طراحی شده است) می‌بیند. قدرت نرم آمریکا عبارت است از «توانایی این کشور برای جذب دیگران با مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و ارزش‌هایی که اساس این سیاست‌ها هستند». بر این اساس قدرت نرم تنها به خاطر یک مقبولیت گذرا اهمیت ندارد؛ بلکه ابزاری برای رسیدن به نتایجی است که آمریکا خواستار آن است. (ایزدی و فوادی، ۱۳۸۸: ۶۵). لذا یکی از منابع اساسی دیپلماسی عمومی مفهوم قدرت نرم است. قدرت نرم، شیوه‌ای جدید از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی است که موجب می‌شود یک کشور بتواند کاری کند تا کشورهای دیگر، همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد. این قدرت، که قدرت متقاعد کننده هم خوانده می‌شود، توانایی شکل یا تغییر دادن ترجیحات و اولویت‌های دیگران است. ایالات متحده بویژه پس از جنگ جهانی دوم با نهادینه کردن استفاده از این ابزار در سیاست خارجی خود و به کارگیری آن در ابعاد و حوزه‌های مختلف، تلاش کرده است توفیق بیشتری در تحقق اهداف سیاست خارجی خود کسب کند (آشنا و هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی آمریکا تصریح می‌کند که هدف اصلی دیپلماسی عمومی «ترویج سیاست‌ها» است. این کمیسیون، دیپلماسی عمومی را چنین تعریف می‌کند «فرایند اطلاع رسانی، تعامل و تاثیرگذاری بر مردمان کشورهای خارجی، به گونه‌ای که مردم آن کشورها در نتیجه این فعالیت‌ها، حکومت‌های خود را ترغیب کنند تا از سیاست‌های کلیدی آمریکا حمایت کنند». این رویکرد به دیپلماسی عمومی از ابزارهایی از قبیل جزوات، صدای آمریکا، کتاب‌ها و سایر ابزارها برای توجیه خط‌مشی آمریکا بهره می‌گیرد و از برنامه‌های مبادله فرهنگی به ویژه در رابطه با رهبران در حال ظهور سایر کشورها برای ایجاد شناخت و فهم فرهنگ آمریکا و حمایت مالی از برنامه‌های مطالعات آمریکا در مدارس و دانشگاه‌های خارجی سود می‌جوید.

دیپلماسی عمومی آمریکا را می‌توان به مثابه تلاش رسمی دولت ایالات متحده برای بهبود چهره جهانی خود و موجه نشان دادن اقداماتش در مناطق گوناگون جهان در نظر گرفت. در ایالات متحده پنج نهاد مسئول دیپلماسی عمومی هستند. این نهادها عبارت است از شورای حکام پخش رسانه‌ای، وزارت خارجه، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، کاخ سفید (شورای امنیت ملی) و وزارت دفاع (افتخاری و ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۲۱۹). ابزارهای دیپلماسی عمومی عبارت است از:

۱. شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ها

۲. برندسازی ملی

۳. بازیگران عرصه دیپلماسی عمومی (سلطانی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۷).

یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به ایجاد چهره مثبت از یک کشور را می‌توان تمایل کشورها برای بدست آوردن موقعیت‌های بهتر اقتصادی دانست. برای مثال کسانی که تمایل به سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور دارند، در ابتدا به فضای فرهنگی و میزان دوستی یا خصومت جامعه با مخاطبان خارجی کشور موردنظر توجه می‌کنند. همچنین باید تاکید کرد که ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای توانا از یک کشور در داخل و تقویت این باور در میان مردم یک کشور، در ایجاد وجهه بین‌المللی و ایجاد جذابیت برای مخاطبان خارجی تاثیر مستقیم دارد. توسعه توانایی‌های داخلی به معنای تقویت رفتارها و نگرش‌های شهروندان یک کشور نسبت به جهان است. در این رابطه مخاطب داخلی باید فهم و آگاهی قابل قبولی را نسبت به جهان خارج پیدا کند؛ مسأله‌ای که امروزه به عنوان شهروند بین‌المللی یا بین‌المللی شدن افراد معروف شده است. برخی کارشناسان معتقدند با آموزش برخی گروه‌ها در کشور، برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌هایی برای گفتگو درباره مسایل بین‌المللی و برقراری ارتباط با جمعیت ساکن خارج از کشور، می‌توان به تقویت یکی از مهم‌ترین عرصه‌های دیپلماسی عمومی در جهت اهداف و منافع یک کشور کمک کرد (واعظی و احدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). امروزه دولت‌ها خوب می‌دانند که یک کنش هوشمندانه

می‌تواند وجهه بین‌المللی آنان را بسیار ارتقاء بخشد، اما متقابلاً کنش‌های نسنجیده عواقب خسارت باری را به همراه خواهد آورد و طبعاً ظرفیت کنشگری آنها را در سطوح منطقه‌ای و جهانی تقلیل خواهد داد. به همین دلیل بازنمایی و ترویج تصویر مثبت از یک کشور به نحوی که موجب ارتقاء وجهه و خوشنامی آن در جامعه جهانی گردد، جزو اهداف بنیادینی است که از رهگذر اجرای دیپلماسی عمومی دنبال می‌شود (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۴).

روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۶

پس از پیروزی انقلاب، آمریکا جزو اولین کشورهایی بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. در نخستین مراحل انقلاب اسلامی که با نخست وزیری بازرگان شروع شد، تمایل به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با ایالات متحده وجود داشت، به شرط اینکه دولت آمریکا به استقلال و تمامیت ایران احترام گذارد. ایالات متحده در طول بیش از دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره یک هدف کلی داشته است و آن تامین منافع این کشور در ایران و منطقه بوده است. ایالات متحده برای دستیابی به این هدف کلی خود از اصل تغییر رفتار دولت جمهوری اسلامی در داخل و خارج به گونه مطلوب و مورد نظر خود پیروی کرده و در این مسیر، از کلیه ابزار و وسایل ممکن و مقدور استفاده کرده است که شامل ابزار مسالمت آمیز (گفت‌وگو، داوری و تحریم اقتصادی) و ابزار خشونت‌آمیز می‌باشد. حمایت‌های ایالات متحده از تجزیه طلبی، طراحی کودتای نظامی مانند کودتای نوژه، انجام عملیات نظامی در داخل خاک ایران هم چون «عملیات نجات گروگان‌ها» در طبرس، تحریک عراق برای حمله به ایران و حمایت از آن در جنگ تحمیلی، درگیری نظامی با ایران در خلیج فارس، تحریک و تشویق گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی به مبارزه مسلحانه و تهدید نظامی ایران در مقاطع مختلف، از جمله این اقدامات خشونت‌آمیز است (نوازی، ۱۳۸۳: ۳۲۱).

از اشغال سفارت ایالات متحده در تهران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) باید به

عنوان اصلی‌ترین چالش در روابط دو کشور ایران و آمریکا در دوران اولیه انقلاب اسلامی نام برد. می‌توان گفت که پیامدهای این رویداد حتی تا امروز نیز باقی است و کدورت‌ها میان دو کشور و بی‌اعتمادی طرفین نسبت به یکدیگر تا حدودی ناشی از آثار این رویداد می‌باشد (معبادی، ۱۳۸۱ : ۸۷). اگرچه بحران گروگانگیری به قطع کامل روابط سیاسی ایران و ایالات متحده انجامید، اما نخستین فرصت را برای دو کشور در جهت مذاکراتی معنادار و به دور از اختلافات و مشاجرات با میانجی‌گری الجزایر فراهم کرد. در حالی که این بیانیه در ابتدا بر بحران گروگانگیری متمرکز بود، اما به نگرانی‌های ایران توجه داشت و در آخر به راه‌حل قابل قبول برای دو طرف بر سر بحران منتهی شد. این موافقت‌نامه شرایط را برای آزادی فوری گروگان‌ها توسط ایران فراهم کرد و در مقابل ایالات متحده تعهد کرد از آن پس سیاست آمریکا عدم مداخله مستقیم و غیرمستقیم سیاسی یا نظامی در امور داخلی ایران خواهد بود. همچنین دادگاه لاهه هلند به منظور بررسی شکایات ایالات متحده علیه ایران و ایران علیه ایالات متحده آمریکا برگزار شد. ایران توانست شکایت خود را برای بازپس‌گیری دارایی‌های شاه در دادگاه‌های ایالات متحده مطرح کند. با این وجود تاریخ معاصر، خصوصاً تاریخ پس از انقلاب اسلامی سرشار از مداخلات سیاسی، نظامی، اقتصادی آمریکا است که اهم مداخلات اقتصادی برپایه تحریم‌های یکجانبه اقتصادی و همچنین مداخله‌های سیاسی با تأکید بر دوران پس از بیانیه الجزایر قرار دارد (عبداله‌خانی و کردان، ۱۳۹۰ : ۱۷).

یکی از نقاط عطف سیاست خارجی ایران را باید به دوران پس از جنگ با عراق و همزمانی تحولات بیرونی همچون فروپاشی شوروی و تغییر نظام بین‌الملل و تحولات داخلی همچون تغییر رهبران و جایگزینی گفتمان بازسازی و تنش‌زدایی بجای گفتمان انقلابی معارضة جو دانست. دوران ریاست جمهوری آقای رفسنجانی برمبنای تنش‌زدایی با کشورهای منطقه و جامعه جهانی بود تا از این طریق بتواند منابع مورد نیاز جهت بازسازی اقتصادی را جذب کند. با روی کار آمدن آقای خاتمی دیدگاه‌ها نسبت به ایران تغییر کرد. سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران دچار

تحول شد و روند سیاست خارجی کشور نیز که در دوران آقای هاشمی رفسنجانی آغاز شده بود، سرعت گرفت. در عرصه خارجی، رئیس جمهور تمام تمرکز خویش را روی دو مفهوم منافع ملی و تشنج زدایی متمرکز کرد و درست بر پایه همین دو مفهوم بود که سعی کرد در سطح خرد، روابط ایران و آمریکا را مورد بررسی و واریسی قرار دهد (معبادی، ۱۳۸۱ : ۱۷۱). در ۷ ژانویه ۱۹۹۸، خاتمی در مصاحبه‌ای با مردم آمریکا سخن گفت. وی از مداخله آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در ایران انتقاد کرد و سپس در مورد گروگان‌ها عذرخواهی کرد. با این سخنان خاتمی، مجموعه‌ای از تلاش‌ها و اقدامات برای بهبود روابط دو کشور صورت گرفت. متقابلاً کلینتون هم به رفتارهای خوب خاتمی جواب داد و در چند مورد پیام‌هایی برای خاتمی ارسال کرد. (فیضی، ۱۳۸۸ : ۱۹۵). در ادامه و در نیمه دی ماه ۱۳۷۶، رئیس جمهور وقت اولین مصاحبه رسمی خود را با شبکه جهانی «سی.ان.ان» انجام داد (قندهاری، ۱۳۷۸ : ۳۰). بیست و سه روز پس از مصاحبه سی.ان.ان با آقای خاتمی، کلینتون پاسخ خود را برای گفتگو و خطاب به ایرانیان گفت: من می‌خواهم به مردم ایران بگویم که ایالات متحده از بیگانگی دو کشور متأسف است. ایران کشور مهمی با میراث فرهنگی غنی و باستانی است که حقیقتاً افتخار ایرانیان است. ما با برخی از سیاست‌های ایران، تفاوت‌های واقعی داریم، اما به اعتقاد من برطرف شدنی است. از این رو، ایالات متحده و ایران بر پایین آوردن دیوار بی-اعتمادی از طریق مبادلات مختلف فرهنگی بین آمریکایی‌ها و ایرانی تمرکز کردند (Asgharirad, 2012:71). بیل کلینتون رئیس جمهوری وقت آمریکا انتخاب خاتمی را یک نشانه امیدوارکننده در روند سیاست‌های ایران خواند. ولی در عین حال موضع قبلی خود را در قبال ایران تکرار کرد که «روابط بین ایران و آمریکاعادی و برقرار نخواهد شد؛ مگر اینکه جمهوری اسلامی ایران تروریسم را محکوم و مردود شمارد، به ابراز مخالفت‌ها و کارشکنی‌های خود در قبال روند صلح خاورمیانه پایان دهد و تلاش‌هایش را در جهت دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای متوقف سازد» (اسدی، ۱۳۸۷ : ۲۳۱). حوادث یازدهم سپتامبر و حمله تروریست‌ها به برج‌های دوقلو و ساختمان پنتاگون و کشته‌شدن صدها نفر، واکنش صلح دوستانه و رسمی ایران را در پی داشت.

در واقع پیام هوشمندانه و به موقع رئیس جمهور کشورمان به دولت و ملت آمریکا و محکوم کردن این حادثه از سوی جمهوری اسلامی ایران، حاکی از صلح دوستی و عدم حمایت ایران از تروریسم بود (قندهاری، ۱۳۸۷: ۳۴).

دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران ۱۹۹۷-۲۰۰۵

با عنایت به فضای مثبت حاصله از سیاست خارجی واقع‌گرایانه ایران و کاهش نسبی مخاصمات فی‌مابین ایران و آمریکا، دولت آمریکا نیز در پاسخ اقدام به در پیش گرفتن فعالیت‌هایی برای عادی‌سازی روابط و تقلیل سطح دشمنی دو طرفه نمود. یکی از این اقدامات بارز را باید فعال شدن دیپلماسی عمومی این کشور در قبال ایران تعریف نمود. عمده فعالیت‌های مربوط در حوزه دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران در فاصله سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۵ را می‌توان به شرح ذیل توصیف نمود:

دیپلماسی ورزشی

مبادلات ورزشی ابزار برجسته دیپلماسی عمومی است. چنین نقش کاتالیزوری اغلب توسط دولتمردان آمریکایی در صدور فرمان‌هایشان برای سیاست خارجی کشورشان وجود دارد. به عنوان مثال، استراتژی ملی ایالات متحده برای دیپلماسی عمومی نقش مشخصی را به ورزش و موقعیت قابل توجهی را برای آن در دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا قرار داده است. مبادلات ورزشی «فعالیتی است که یک رابطه مشترک را می‌سازد و کار گروهی، نظم، احترام به دیگران و رعایت قوانین را آموزش می‌دهد. ورزش، در واقع به عنوان اولین زمینه به رسمیت شناخته شده از تبادل فرهنگی بین ایران و ایالات متحده آمریکا پس از انقلاب به سال ۱۹۹۸ بر می‌گردد. ورزشکاران از جمله در رشته‌های کشتی، فوتبال، پینگ‌پنگ، بسکتبال در کشورهای یکدیگر دیدار کردند و پیام صلح و تفاهم را برای کشور میزبان خود آوردند. چنین طرحی به زودی یکی از

ابزارهای مورد علاقه در دیپلماسی فرهنگی آمریکا در قبال ایران و حتی پس از کلinton و خاتمی که دوران ریاست جمهوری آنها تمام شده بود، ادامه یافت و جای خود را به دوران بوش و احمدی نژاد داد» (77 : Asgharirad, 2012). این رویدادهای ورزشی را می توان به شرح ذیل برشمرد:

مسابقات فوتبال

تیم های فوتبال ایران و ایالات متحده در بازی های جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه در مقابل هم قرار گرفتند. گروهی از مفسران بلافاصله به گذشته و به نحوه ایجاد روابط دیپلماتیک بین واشنگتن و پکن رجوع کردند. نقطه شروع روندی که به برقراری رابطه بین چین و آمریکا منجر شد، بازی تیم های پینگ پنگ دو کشور، در دوره ریاست جمهوری نیکسون بود. این دیپلماسی در آن زمان به «دیپلماسی پینگ پنگ» شهرت یافت. برخی از مفسران چنین نتیجه گیری کرده اند که مسابقات فوتبال می تواند سرآغاز عادی سازی روابط ایران و آمریکا تلقی شود (گزارش، ۱۳۷۶ : ۱۰). ایالات متحده و ایران سه بار با یکدیگر بازی کردند. اولین بازی در جام جهانی که در سال ۱۹۹۸ منجر به پیروزی ایران شد. هزاران نفر از ایرانیان به خیابان ها ریختند و جشن گرفتند و این، نه تنها یک امتیاز گران بها در زمینه ورزشی بلکه بطور سمبلیک پیروزی بر دشمن قدیمی بود. اگرچه از نظرساختار روابط دو کشور، این رویداد به یک وضعیت تعامل مناسب منجر نشد، اما ایرانیان پیروزی خود را به عنوان انتقام نمادین برخی از ناراضی های ناشی از ایالات متحده در طول دهه گذشته دیدند (95 : Asgharirad, 2012). مسابقه دوم، در قالب بازی دوستانه در لس آنجلس، تنها چند ماه پس از جام جهانی صورت گرفت. در روز بازی، ورزشگاه رز بولدرد ۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۰ با پنجاه هزار تماشاگر که بیشتر آنها ایرانی - آمریکایی بودند؛ پر شده بود. در پایان این بازی دوستانه با نتیجه تساوی خاتمه یافت. تی شرت ها رد و بدل شدند و حتی مذاکراتی برای مسابقه برگشت در آینده صورت گرفت. گرچه، مسابقه برگشت، و ترتیبات بعدی دیگر هیچوقت عملی نشد. شانس پل سازی از طریق فوتبال یک بار دیگر در سال ۲۰۰۴ مورد آزمایش

قرار گرفت، زمانی که تیم ملی فوتبال ایران توسط تیم گلکسی ایالات متحده، دعوت شدند، تایک بازی دوستانه را در لس آنجلس برگزار کنند. اما، این بازی به دلایلی هیچ گاه برگزار نشد (Asgharirad, 2012 : 95).

مسابقات کشتی

ورزش بزرگ کشتی می‌تواند کشورها را با تمام تفاوت‌ها از نقاط مختلف دنیا در کنار هم قرار دهد و یک جبهه مشترک تشکیل دهد (www.sfcg.org/Documents/CPRF/CPRFJune.2000pdf). در فوریه سال ۱۹۹۸، یک ماه پس از اظهارات آشتی جویانه توسط روسای جمهور ایران و آمریکا، تیم کشتی آمریکا در جام کشتی تختی در تهران شرکت کرد. بازدید تیم ایالات متحده به ایران بواسطه برنامه «جستجو برای زمینه مشترک» هماهنگ شده بود و به زودی به بازیکنان بزرگی برای ادامه مبادلات بین ایران و ایالات متحده تبدیل شدند. این مسابقات از کانال‌های تلویزیونی ملی ایران پخش شد و تقریباً هر شهروند ایرانی مشتاقانه این رویداد را پیگیری می‌کرد. در روابط دیپلماسی عمومی، نتیجه برای هر دو دولت ایالات متحده و ایران بسیار مهم و موفقیت این رویداد قابل توجه بود. بنابراین؛ پس از آن رئیس جمهور بیل کلینتون تیم ایالات متحده را در کاخ سفید پذیرایی کرد و مبادلات مردم به مردم با ایران را تشویق کرد (WWW.Usaid.gov/our work/humanitarian assistance/disaster assistance). تیم کشتی ایران در ایالات متحده ده بار با یکدیگر رقابت کردند؛ این مسابقات به دوشکل رسمی و دوستانه برگزار شد، که اکثر این رقابت‌ها رسمی بود و تحت نظارت تشکیلات رسمی برگزار می‌شد. مسابقات دوستانه که تنها رقابت دوستانه، مسابقه حسن نیت در شهر نیورک، ۱۹۹۸ بود. مسابقات برگزار شده به شرح ذیل می‌باشد.

✓ ۱۹۹۵ مسابقات قهرمانی جهان در آتلانتا، جورجیا

✓ ۱۹۹۵ جام جهانی در چاتانوگا، تنسی

- ✓ ۱۹۹۶ بازی‌های المپیک در آتلانتا، جورجیا
 - ✓ ۱۹۹۸ مسابقات قهرمانی جوانان جهان در پریم، نوادا
 - ✓ ۱۹۹۸ جام جهانی استیل واتر، اوکلاهوما
 - ✓ ۱۹۹۸ بازی حسن نیت در شهر نیویورک
 - ✓ ۱۹۹۹ جام جهانی اسپکان، واشنگتن
 - ✓ ۲۰۰۰ جام جهانی فیرفیکس، در ویرجینیا
 - ✓ ۲۰۰۱ جام جهانی در بالتیمور، مریلند
 - ✓ ۲۰۰۳ مسابقات قهرمانی جهان در شهر نیویورک (www.iranprimer.usip.org/blog/2013/)
- (may/13).

دیپلماسی سایبر

با تحول سریع ارتباطات اینترنتی و اهمیت یافتن فضای سایبر آمریکا در صدد بهره‌گیری از چنین فضای جدیدی در کنار شیوه‌های سنتی دیپلماسی عمومی به خصوص برای رقابت در عرصه جنگ شبکه‌ای با حریفان خود است. انقلاب فناوری و سایبری، توسعه رسانه‌های جدید، جهانی‌شدن، گسترش مشارکت مردم در روابط بین‌المللی و اهمیت یافتن مسایل بسیار پیچیده فراملی از مهم‌ترین محرکه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در دوران فعلی است (ایزدی و ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۱: ۴). مواردی از دیپلماسی سایبر را در حوزه‌های مختلف رادیویی، تلویزیونی، فیلم، نشریات در روابط ایران و آمریکا به شرح ذیل می‌توان برشمرد.

صدای آمریکا

در ۸ آوریل سال ۱۹۷۹ دولت ایالات متحده پخش فارسی VOA برای ایران را با یک برنامه نیم ساعته آغاز کرد. محتوای پخش تحت پوشش برنامه‌هایی انقلابی در ایران، واکنش آمریکا

به حوادث، و دیگر اخبار بین‌المللی (مانند بحران انرژی) بود. در واقع متاثر از فضای تصاعدی بحران در روابط دو کشور، صدای آمریکا برای مقابله با کاهش نفوذ ایران ایجاد شد و هنگامی که سفارت آمریکا در ایران تسخیر شد، صدای آمریکا پخش و تولید برنامه‌های روزانه را از دو ساعت در ماه دسامبر ۱۹۷۹ افزایش داد. صدای آمریکا به پخش برنامه برای ایران تنها از طریق رادیو تا سال ۱۹۹۶ زمانی که اولین برنامه تلویزیونی خود را پخش کرد، ادامه داد. اولین پخش تلویزیونی فارسی صدای آمریکا در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۹۶ بود. در طی سال‌های دولت اصلاحات، تحلیل محتوایی و گفتمانی برنامه‌های این رسانه حاکی از آن است که از شدت حملات تهاجمی خود در قالب کنش کلامی کاسته و رویکرد ملایم تری را در قبال ایران در پیش گرفته است (Asgharirad, 2012:98).

رادیو فردا

در ماه نوامبر سال ۲۰۰۲ توماس دین راه اندازی رادیو فردا را با همکاری صدای آمریکا اعلام کرد. وی در یادداشتی ماهیت و هدف از این پروژه را این گونه ترسیم کرد که یک ایستگاه رادیویی برای ایرانیان و در درجه اول ایرانیان زیر ۳۰ سال که حدوداً ۷۰ درصد از جمعیت این کشور هستند، می‌باشد. در ابتدا مقرر شد که به منظور جذب جوانان، این ایستگاه، فقط ۵ ساعت را به اخبار و تفسیر، اختصاص دهد و بیشتر موسیقی و محتوای سرگرمی با ترکیبی از آهنگ‌های فارسی و غربی را پخش کند. ساعت معمول پخش شامل پانزده دقیقه اخبار، با فواصل مکرر پر از موسیقی فارسی و غربی، با محتوای سرگرمی و آهنگ طراحی شده بود (Asgharirad, 2012:60).

صنعت فیلم

کارشناسان دیپلماسی فرهنگی همواره بر نقش هنر در تحریک تفاهم بین ملت‌ها تاکید کرده‌اند. اگر هنرمندان محصولات هنری را تولید کنند و پیچیدگی‌های زندگی در میان اعضای یک جامعه

را معرفی کنند، پس از آن فرصت گفتگوهای عمیق ایجاد خواهد شد. ورود هنرمندان ایرانی و آمریکایی با هم در واقع یک گام مهم در پر کردن دانش و فاصله بین دو ملت است. در دولت اصلاحات، ایران چندین نفر از فیلم سازان ایرانی و آمریکایی را تشویق کرد تا به کشورهای هم‌دیگر سفر کنند. سازمان‌هایی نیز از جمله «جستجو برای زمینه‌های مشترک» و «بنیاد بلوط سبز» در این زمینه وارد شدند. دیپلماسی فیلم، که از سال ۱۹۹۹ آغاز و تا به امروز همچنان ادامه داشته از کارگردانان ایرانی و آمریکایی، بازیگران و منتقدان استفاده کرده است. مخملباف، مجیدی، عباس کیارستمی، مشکینی، پناهی، قبادی و رضائیان برخی از سینماگران معروف ایرانی بودند که به ایالات متحده آمریکا سفر کرده بود. از طرف دیگر، مایکل آلمریدا (مدیر هملت)، باب کارتف (تولیدکننده راکي) و دیوید گاس کارشناسان فیلم آمریکایی بودند که به ایران سفر کردند و روابط خود را با سینما و صنعت فیلم این کشور گسترش دادند.

به عنوان یکی از طرح‌های اولیه در نوع خود، در سال ۱۹۹۹، موسسه فیلم آمریکا در واشنگتن فیلم ساخته مجید مجیدی با نام "رنگ خدا" را نمایش داد که برنده ی جایزه نیز شد. فیلم مجیدی، بعدها موفق به کسب چندین جایزه بین‌المللی شد که یک مثال کامل از درک جامعه ی ایران، خدا و دین بود و در نتیجه یک انتخاب مناسب برای تبادل فرهنگی است (Asgharirad, 2012: 60). یکی دیگر از فیلمسازان معروف ایرانی، محسن مخملباف است که چندین بار از طریق چند برنامه مبادله از ایالات متحده بازدید کرده است. در سال ۲۰۰۲ موسسه فیلم آمریکایی، گالری ملی هنر و انجمن جستجو برای زمینه مشترک به مدت یک ماه آثار مخملباف را بر روی پرده سینما بردند. بیش از ۲۰ فیلم از خانه فیلم برای مخاطبان آمریکایی در پرده سینما قرار گرفت و توسط منتقدان بحث شد. همچنین از طریق چندین پروژه دیگر از نوع مشابه، فیلم‌هایی مانند «طلای سرخ» قبادی، «تیم ما» از رخشان بنی‌اعتمادی، «زن ناخواسته» میلانی، «سنتوری» مهرجویی، و ده‌ها تن دیگر، فیلم‌های کارگردانان برجسته ایرانی برای نخبگان هنر آمریکا به نمایش درآمد. این فیلم‌ها از ظهور یک سینمای خاص ایران با صراحت در داستان‌سرایی،

بهره‌برداری از اتفاقات روزمره، مردم عادی و مکان‌های واقعی خبرمی داد(www.sfcg.org).

دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل است، دیپلماسی فرهنگی در واقع تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است. موارد ذیل به بررسی فعالیت‌های فرهنگی آمریکا در ایران در قالب دیپلماسی عمومی اشاره دارد.

اعطای جوایز برای جذب عناصر مستعد

بنیاد ملی برای دموکراسی در راستای حمایت و تشویق مخالفان کشورهای دیگر دو جایزه سالانه تحت نام‌های «جایزه دموکراسی» و «مدال خدمات دموکراسی» را به آن‌ها اعطا می‌کند. تا کنون نیز دو مرتبه در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۱۰ جایزه نخست به ایران تعلق گرفته است (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

اداره امور آموزشی و فرهنگی^۱ (ای سی آ)

این اداره به دیپلماسی آموزشی با ایران علاقه‌مند می‌باشد در سال ۲۰۰۵ (ای سی آ) وظیفه موسسه آموزش بین‌المللی^۲ (ای ای ای) را برای آوردن دانش آموزان ایرانی به آمریکا از طریق برنامه آموزش زبان خارجی^۳ (افال تی آ) برعهده گرفت. قرار بود دانش آموزان، آموزش زبان انگلیسی را در همان زمان یکسان در طول اقامت ۹ ماهه از ایالات متحده یاد بگیرند. (افال تی آ)

1. Bureau of Educational and Cultural Affairs (ECA)

2- Institute of International Education (IIE)

3 - Foreign Language Teaching Assistantship (FLTA)

اولین برنامه سیستماتیک آشکار مبادلات آموزشی ایالات متحده با ایرانیان از زمان انقلاب بود که به دلایل بسیاری به جای پیشرفت شکست خورده بود. افالتی آ در سال ۲۰۰۱ حمایت مالی ویژه‌ای را برای تسهیل تبادل دانشجو از کشورهایی که آموزش زبان انگلیسی در آنها کمتر از حد معمول ایالات متحده بود، دریافت کرد. بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر دولت ایالات متحده رویکرد امنیت ملی را نسبت به آموزش زبان در مناطق بحرانی جهان (بوئزه چین و خاورمیانه) لازم دانست. این خواسته کنگره را به معرفی قانون امنیت ملی زبان در سال ۲۰۰۳ و ادار و موقعیت برنامه‌های مبادله از قبیل افالتی آ با هدف قرار دادن ایرانیان و معلمان آموزش زبان خاورمیانه و دانش‌آموزان افزایش یافت. علاوه بر برنامه‌های مالی دولت ایالات متحده، برخی از سازمان‌های ایرانی - آمریکایی پشتیبانی مالی خود را برای این گونه برنامه‌ها ارائه دادند (www.flta.org/about-program-history.html).

شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایک)^۱

این شورا که ادعا می‌کند نماینده اکثریت جامعه آمریکایی‌های ایرانی‌تبار می‌باشد، در سال ۲۰۰۲ با هدف افزایش مشارکت ایرانیان آمریکا در این کشور تاسیس گردید. این شورا در معرفی، خود را سازمانی غیرانتفاعی و آموزشی تعریف می‌کند که به سازماندهی آمریکایی‌های ایرانی‌تبار در یک جامعه منسجم‌تر و فعال‌تر می‌پردازد. از این‌رو، تلاش دارد با پیوند ایرانیان آنجا با سازمان‌های ایرانی و غیرایرانی، مشارکت کامل آنها در تمامی سطوح حیات مدنی آمریکا را تسهیل نماید (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰ : ۲۸۰). نایک یک ماه پس از تاسیس، کمکی مالی را از «بنیاد ملی برای دموکراسی» برای فعالیت‌های رسانه‌ای خود دریافت کرد؛ هرچند این شورا میزان مبلغ ذکر شده در رسانه‌ها (۲۵ هزار دلار) را رد می‌کند. همچنین به گزارش واشنگتن پست، نایک در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ مبلغی در حدود ۲۰۰ هزار دلار از این بنیاد برای توانمندسازی

سازمان‌های غیردولتی در ایران دریافت کرده بود. در این راستا، وظیفه محوله از سوی بنیاد ملی برای دموکراسی به نائک، افزایش همکاری بین گروه‌ها و بنیادهای مدنی ایرانی و آمریکایی و استخدام کارشناسان ایرانی برای ارائه مشاوره به گروه‌های محلی در زمینه طرح پروژه، نوشتن پروپزال و ارتباط‌گیری با مراکز اعانه دهنده خارجی بود (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۲۸۰). در راستای دیپلماسی عمومی آمریکا، از آنجا که این حوزه بر خلاف دیپلماسی رسمی، مجالی را نیز برای بازیگران غیردولتی فراهم می‌آورد، نهادهای ذیل نیز در گسترش دیپلماسی آمریکا در قبال ایران نقش داشته‌اند.

بنیاد ملی برای دموکراسی^۱

بنیاد ملی برای دموکراسی با شعار «آنچه برای آمریکا خوب است، برای جهانیان نیز خوب می‌باشد» بزرگ‌ترین تامین کننده مالی فعالیت‌های مخالفین کشورهای دیگر تحت پوشش دموکراسی بوده است. هدف از تشکیل آن در سال ۱۹۸۳ نیز اشاعه دموکراسی مورد نظر آمریکا با اعطای کمک‌های مالی به احزاب، رسانه‌ها و مخالفین نظام‌های کشورهای دیگر بود. توسعه دموکراسی با قرائت آمریکایی، ایجاد و حمایت از سازمان‌های همسو با لیبرال دموکراسی غرب و حفاظت از منافع آمریکا از فعالیت‌های ویژه این بنیاد است (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

جستجو برای زمینه مشترک^۲

این نهاد به عنوان یک سازمان غیردولتی آمریکایی در سال ۱۹۸۲ تاسیس، و به امر جستجوی مشترکات بین ملت‌ها و کاهش سوء تفاهم پرداخته و پروژه‌های خود در ایران را بلافاصله پس

1- National endowment for democracy (NED)

۶۸ 2- Search For Common Ground (SFCG)

از پاسخ خاتمی برای گفتگو در سال ۱۹۹۸، شروع کرد. در این قالب دانشمندان، ورزشکاران و هنرمندان ایران و آمریکا فرهنگ و جامعه یکدیگر را برای هم معرفی می‌کردند. نهاد مزبور بر ورود محققان مذهبی، سازندگان فیلم، فعالان محیط‌زیست، دانشجویان و ورزشکاران از هر دو کشور متمرکز بود. علاوه بر دانشجویان، سیاستمداران و روحانیون ایران به ایالات متحده سفر و با دانشمندان آمریکایی ملاقات و حتی در نهادهای مختلف سخنرانی کردند. در این دوره، سازمان‌های غیردولتی عمدتاً مسئول چنین مخاطبینی بود. SFCG، با موسسات دیگر مانند موسسه فیلم آمریکا، خانه سینمای ایران و خانه فیلم مخملباف همکاری‌هایی داشته است. همچنین فیلم‌هایی از کارگردانان مشهور ایرانی مانند مجیدی، عباس کیارستمی، قبادی و مخملباف را نمایش داد. همچنین چندین سفر توسط فیلم سازان آمریکایی مانند مایکل آلمریدا (مدیر هملت) به ایران ترتیب داد و به دیدار و بحث و گفتگو با فیلمسازان و بازیگران پرداختند. برای مقابله با بحث برخورد تمدن‌ها، موسساتی مانند SFCG، کنفرانس‌ها و سمینارهایی که در آن مسائل مذهبی مورد بحث قرار می‌گرفت را تسهیل کرد. به عنوان مثال، آیت‌الله محلاتی و عبدالکریم سروش، از کلیسای ملی واشنگتن بازدید کردند و در باب نقش عیسی مسیح در اسلام سخنرانی کردند (www.sfcg.org).

دیپلماسی مبادله

دیپلماسی مبادله یکی از ابزارهای مهم در دیپلماسی عمومی آمریکا است. این فعالیت‌ها معمولاً از طریق مبادلات دانشگاهی دنبال می‌شوند. برنامه‌هایی که در قالب دیپلماسی مبادله اجرا می‌شوند، عمدتاً دانشجویان، اساتید دانشگاه، روشنفکران و روزنامه‌نگاران را هدف قرار می‌دهد. یکی از موارد دیپلماسی مبادله ایران و آمریکا، ابتکار در زمینه ستاره‌شناسی بود. مبادلات نجومی ایران و ایالات متحده، که در سال ۱۹۹۹ آغاز شد و در سراسر دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی ادامه یافت، این حرکت نه تنها باعث افزایش احترام و شایستگی‌های ستاره‌شناسان شد، بلکه دانش‌آموزان

نوجوان را با خواسته‌های سیری ناپذیر برای کسب دانش درگیر ساخت. تحت نظارت بنیاد جستجو برای زمینه مشترک در ماه اوت ۱۹۹۹، اولین گروه از نمایندگان ستاره‌شناسی آمریکا از ایران بازدید کردند. اعضای آن ستاره‌شناسانی مانند آلن هال (کسی که ستاره دنباله‌دار هیل باپ را در سال ۱۹۹۵ کشف کرده بود) و راسل شوایکارت (فضانورد سابق آپولو) را شامل می‌شدند. نمایندگان آمریکایی از شهر تاریخی اصفهان بازدید کردند و جلسات متعددی را با ستاره‌شناسان و محققان ایرانی برگزار و بنا به ادعاهای خود تحت تاثیر ویژگی‌های فرهنگی و مهمان نوازی و علاقه ایرانیان در ایجاد روابط دوستانه قرار گرفتند (www.washingtonpost.com/wpsrv). از آنجا که این تجربه موفق بود، هیئت دیگری یک سال بعد از ایران بازدید کرد (Asgharirad, 2015:81). در ادامه به مواردی دیگر از دیپلماسی مبادله اشاره خواهد شد؛

اعطای بورسیه برای جذب عناصر مستعد

بنیاد ملی برای دموکراسی، هر ساله چند نفر از افراد به زعم آنان با تجربه و نخبه از صنف‌های دانشگاهی و روزنامه‌نگاری کشورهای مختلف و به خصوص مخالف آمریکا را در قالب پژوهشگر مهمان بورسیه می‌کنند؛ که از ایران نیز هفت نفر طی سال‌های اخیر جز آنان بوده‌اند. در این رابطه دو نوع بورسیه اعطا می‌شود: نوع اول بدون اعطای هزینه سفر و اقامت بوده و فقط به دادن مکانی برای پژوهش در بنیاد و استفاده از کتابخانه و شرکت در نشست‌ها و دیگر فعالیت‌های بنیاد محدود می‌شود. نوع دوم که طبق «برنامه بورسیه دموکراسی ریگان - فاسل» انجام می‌پذیرد، تمامی هزینه‌های فرد درخواست کننده برای بورسیه پرداخت می‌شود. مدت این بورسیه پنج ماه بوده و هرسال بین ۱۶ تا ۲۰ نفر را پذیرش می‌کنند. افراد پذیرفته شده نیز در طول اقامت خود در بنیاد، به تبادل تجربیات، تعامل با سایر شرکت کنندگان، انجام تحقیقات و نگارش و بررسی بهترین شیوه‌های اجرایی دموکراسی در کشور خود پرداخته و با شبکه‌ای جهانی از فعالان دموکراسی ارتباط برقرار می‌کنند. گفتنی است که تمام بورسیه‌ها از ایران بورسیه نوع دوم بوده‌اند.

جالب اینجاست که تعداد ایرانیان دریافت کننده این بورس‌ها از دیگر کشورهای خاورمیانه بیشتر بوده است و در حالی که دیگر کشورهای این منطقه هر کدام حداکثر دو بورسیه داشته اند، از ایران هفت نفر بورسیه شده اند که عبارتند از:

- ✓ هاله اسفندیاری (۱۹۹۵) بررسی موضوع «زنان و انقلاب اسلامی، بازسازی زندگی»؛
- ✓ رامین جهانبگلو (۲۰۰۱-۲۰۰۲) تمرکز روی نقش روشنفکران ایرانی در ترویج دموکراسی در ایران؛
- ✓ مهرانگیزکار (۲۰۰۱-۲۰۰۲) بررسی تاثیر تحولات حقوقی بر وضعیت حقوق بشر در ایران؛
- ✓ حسین بشیریه (۲۰۰۵-۲۰۰۶) توجه به نقش مخالفین سیاسی در انتقال به دموکراسی که در آن به علل پیروزی و در نهایت شکست اصلاح‌طلبان و همچنین نقاط قوت و ضعف آنان می‌پردازد؛
- ✓ سیامک نمازی (۲۰۰۵-۲۰۰۶) مطالعه تطبیقی از مدل‌های مختلف اصلاحات اقتصادی و تاثیر آن بر توسعه سیاسی و نیز نقش بخش خصوصی در اصلاح حاکمیت (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۲۱۷).
- ✓

مبادلات زیست‌محیطی

در زمینه محیط زیست در سال ۱۹۹۹، سازمان «جستجو برای زمینه‌های مشترک» زمینه سفر یک گروه از طرفداران محیط زیست ایران را به ایالات متحده فراهم نمود و چند نماینده دیگر ایران از ایالات متحده بازدید کردند. در سال ۲۰۰۱ نیز چهار نفر از کارشناسان محیط زیست به واشنگتن سفر کردند. در این بازدید، دانشگاهیان و فعالان ایرانی با آمریکایی‌ها (به عنوان مثال، دانشگاه جورج تاون و دانشگاه مریلند) دیدار کردند (Asgharirad, 2012:76). متقابلاً استادان و کارشناسانی از موسساتی مانند دانشگاه مریلند، دانشگاه جورج تاون، موسسه سیاست زمین و قانون اتحاد محیط زیست در سراسر جهان نیز از ایران بازدید کردند. لستر براون، یکی از طرفداران مشهور جهانی محیط‌زیست، یکی از شرکت کنندگان در این برنامه بود. او به ایران سفر کرد تا در مورد محیط‌زیست و مشکلات جمعیتی که ایرانیان با آن روبرو هستند آموزش‌هایی را

کمیته منونایت مرکزی

کمیته منونایت مرکزی^۱ (ام سی سی)، یک سازمان غیرانتفاعی توسعه مبتنی بر دین، پس از زمین لرزه منجیل در سال ۱۹۹۰ برای اولین بار به ایران وارد شد. در پی دوستی بین اد مارتین، مدیر دفتر منونایت مرکزی (ام سی سی) آسیا و مدیرکل امور بین الملل در ایران، صدرالدین صدر برنامه تبادل دانشجو پیشنهاد و تورنتوی کانادا به عنوان جامعه منونایت دانشجویان فارغ التحصیل انتخاب شد. از آن طرف موسسه تحقیقات و پژوهش‌های امام خمینی^۲ (ای کای آی آر) داوطلب میزبانی دانشجویان منونایت مسیحی در قم شد. علاوه بر این برنامه مبادله دانشجویان در سال ۱۹۹۸ آغاز شد و ام‌سی‌سی «تورهای آموزشی» را ترتیب داد و گروه‌هایی را به ایران برای مسافرت تبلیغاتی اعزام نمود (www.commongroundnews.org/article.php).

دیپلماسی پزشکی

دیپلماسی پزشکی شکلی از روابط دیپلماتیک است که در عین ارائه خدمات بهداشتی به افزایش و بهبود روابط مثبت بین ملت‌ها کمک می‌نماید. این نوع از دیپلماسی می‌تواند به کاهش تنش بین دو کشور کمک کرده و برای ارائه یک تصویر مثبت از کشور به ارسال پزشکان و دیگر پرسنل نیاز است. بسیاری از کشورها در سراسر جهان برای ارائه خدمات بهداشتی مورد نیاز به شهروندان خود، به خصوص پس از بلایای طبیعی و شرایط اضطراری به کمک احتیاج دارند. در برخی موارد، بودجه بهداشت و درمان کشور به سختی می‌تواند به ارائه دارو و امکانات لازم اساسی به بیماران بپردازد (www.wisegeek.com/what-is-medical-diplomacy.htm). بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل یا خشکسالی، اغلب مواردی غیر سیاسی هستند، اما هنگامی که دولت‌ها کمک‌هایی را به دیگر کشورها ارائه می‌کنند، کار امدادسانی فرصتی برای بهبود روابط

1- Mennonite Central Committee (MCC)

۶۵ 2- Imam Khomeini Education and Research Institute (IKERI)

بین‌المللی سرد را فراهم می‌کند. زمین لرزه ۱۹۹۰ در ایران و پیشنهاد ارائه کمک ایالات متحده نمونه‌هایی از این موارد هستند. پس از انقلاب، چندین زمین لرزه ایران را تکان داد و در برخی موقعیت‌های اضطراری، دولت ایالات متحده با وجود تنش‌های سیاسی کمک‌هایی را فراهم کرد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۲، زلزله شمال غرب ایران، دولت بوش را برای ارسال غذا، مسکن موقت و برخی از تجهیزات تصفیه آب به فعالیت واداشت و از طریق سفارت سوئیس در ایران (که حافظ منافع آمریکا در ایران است) این کمک‌ها ارسال گردید (WWW.Usaid.gov/our work/humanitarian assistance/disaster assistance).

سایر فعالیت‌های دیپلماسی عمومی آمریکا

برخی از این فعالیت‌ها را که جز دیپلماسی عمومی آمریکاست، می‌توان به شرح ذیل بیان کرد؛

پروژه دموکراسی در ایران

این پروژه را می‌توان مهم‌ترین طرح موسسه هوور علیه کشورمان دانست. در صفحه پروژه دموکراسی ایران در سایت موسسه هوور آمده است که این پروژه در راستای درک فرایند و چشم‌انداز دموکراسی در ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه ایجاد شده است و هدف اصلی آن کمک به غرب برای درک پیچیدگی‌های جهان اسلام و ترسیم راه مناسب برای انتقال کشورهای منطقه به دموکراسی و بازارهای آزاد می‌باشد، مسیری که نقطه شروع آن ایران خواهد بود. پروژه دموکراسی ایران، پیرامون فرهنگ عامه مردم کشورمان مانند موسیقی، وبلاگ‌ها و مسایل جنسیتی نیز تحقیق می‌کند. بخش دانشجویی این موسسه بسیار فعال است و افرادی مانند فاطمه حقیقت‌جو، اکبر گنجی و آرش (احمد) نراقی، در کنفرانس‌های سال‌های قبل آن سخنرانی کرده‌اند. در همین راستا از دیگر اقدامات این مرکز می‌توان به دعوت از مخالفان برای تدریس و تحقیق در دانشگاه استنفورد و اعطای بورسیه به آنها اشاره داشت. آخرین این افراد بهرام بیضایی (فیلم ساز) و محسن نامجو (خواننده پاپ) هستند که با دریافت بورسیه‌ای یک ساله به ترتیب

برای تدریس تئاتر و سینما و تحقیق در زمینه موسیقی به دانشگاه استنفورد رفته اند (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰ : ۲۷۷).

کمیته آمریکاییان - ایرانیان پیشرو (پیک)^۱

این کمیته در گزارشی میزان کمک‌های دریافتی از بنیاد ملی برای دموکراسی را به صورت زیر اعلام می‌کند؛ ۲۵ هزار دلار در سال ۲۰۰۲ برای سازماندهی و برگزاری یک کارگاه آموزشی دو روزه برای سازمان‌های غیر دولتی ایران در تهران که این کارگاه در سال ۲۰۰۴ برگزار گردید و هادی قائمی و دخی فصیحیان از نائک در آن شرکت داشتند؛ ۶۴ هزار دلار در سال ۲۰۰۵ برای راه اندازی یک وب سایت فارسی برای تقویت توان و ظرفیت سازمانی گروه‌های محلی در ایران و افزایش همکاری آن‌ها با سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی و نهادهای خارجی؛ این کمیته همچنین از اعطای ۷۱ هزار دلار به نایک از سوی «بنیاد اوراسیا»، از نهادهای تحت مدیریت و هدایت «آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده» اشاره دارد که در راستای تقویت همان وب سایت فارسی پرداخت شده بود (عبداله‌خانی و کاردان، ۱۳۹۰ : ۴۹۰).

نتیجه‌گیری

سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران و روابط این کشور با جهان خارج به شمار می‌رود. روی کار آمدن دولت اصلاحات و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی با جهان خارج فرصتی را برای سایر کشورها جهت توسعه روابط یا کاهش خصومت‌های دو دهه گذشته فراهم نمود. ایالات متحده آمریکا با روی کار آمدن آقای خاتمی، با این دیدگاه که اوضاع عوض خواهد شد تلاش کرد تا با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در غیاب روابط رسمی دیپلماتیک به بهبود روابط و ترسیم چهره منفی خود در طول سالیان پس از انقلاب بپردازد. از نکات برجسته

دیپلماسی عمومی آمریکا در این زمان در قیاس با دوره‌های تاریخی گذشته این کشور در ایران، می‌توان به دیپلماسی عمومی غیررسمی، دیپلماسی مبتنی بر مبادلات مردم بر مردم، ورود نهادهای غیردولتی هم‌چون موسسه منو نایت مرکزی، بنیاد جستجو برای پیشرفت، بنیاد دموکراسی، فدراسیون‌های ورزشی، رسانه‌های غیردولتی و...، دانش بنیان و اطلاعات - ارتباط محور بودن دیپلماسی عمومی آمریکا، کاربست دیپلماسی‌های عمومی جدید هم‌چون دیپلماسی پزشکی و دیپلماسی ورزشی و تاکید بر اشاعه دموکراسی جهت تغییر رفتارهای ایران اشاره نمود.

فهرست منابع

- ۱- اسدی، بیژن (۱۳۸۷)، سیاست خارجی دولت اصلاحات؛ موفقیت‌ها و شکست‌ها، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۲- افتخاری، اصغر، ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۳)، الگوی مدرن عملیات روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۷۸.
- ۳- ایزدی، فواد (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۴- ایزدی، فواد، ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه؛ تداوم یا تفاوت؟، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، شماره دوم.
- ۵- آشنا، حسام‌الدین، جعفری هفت خوانی، نادر (۱۳۸۶)، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵.
- ۶- خاتمی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، گفتگوی تمدن‌ها، تهران: طرح نو.
- ۷- دلد، اسکندر (۱۳۹۰)، حاجی واشنگتن: تاریخ روابط ایران و آمریکا در روزگار قاجاریه و پهلوی، تهران: به آفرین
- ۸- سلطانی‌فر، محمد (۱۳۸۹)، دیپلماسی عمومی نوین و روابط عمومی الکترونیک، تهران: سیمای شرق
- ۹- طارمی، کامران (۱۳۹۸)، پیامدهای دکترین کارتر برای همکاری نظامی بین آمریکا و عربستان، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، پاییز.
- ۱۰- عبدالله‌خانی، علی، کاردان، عباس (۱۳۹۰)، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- ۱۱- عزیزی بساطی، مجتبی (۱۳۹۱)، دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- ۱۲- فیضی، سیروس (۱۳۸۸)، معمای ایرانی: نزاع میان ایران و آمریکا، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۴
- ۱۳- قشقاوی، حسن (۱۳۸۹)، دیپلماسی عمومی، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۴- قندهاری، شادی (۱۳۸۷)، روابط ایران و آمریکا در دوران ریاست جمهوری خاتمی، تهران: نرسا.
- ۱۵- گزارش، (۱۳۷۶) دیپلماسی فوتبال در روابط ایران و آمریکا، شماره ۸۴.
- ۱۶- مبینی مقدس، مجید، عبد سرمدی، نرگس (۱۳۹۲) دیپلماسی عمومی نوین و بیداری اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳.
- ۱۷- معبادی، حمید (۱۳۸۱)، چالش‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۸- نوازنی، بهرام (۱۳۸۳)، الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۹- واعظی، محمود، احدی، افسانه (۱۳۸۹)، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۰- ویلسن و همکاران (۱۳۸۸)، دیپلماسی عمومی نوین: کارکرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه: رضا کلهر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۲۱- هادیان، ناصر، احدی، افسانه (۱۳۸۸)، جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم.

۲۲- هادیان، ناصر، سعیدی، روح الامین (۱۳۹۲)، دیپلماسی عمومی در عصر نوین، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۸.

23- Asgharirad, javad, (2012) U.S public diplomacy towards Iran during the George w.Bush era, PhD, university berlin.

24- Wingenbach.charls.e. (1961) The Peace Corps: who. How and where. Contributors: John Day co.

www.americansecurityproject.org. (Matthew Wallin, August 2012)

iranprimer.usip.org/blog/2013/may/13/sport-iran-and-us-wrestle-different-way. Garrett Nada.

www.sfcg.org/Documents/CPRF/april_2008.pdf

www.sfcg.org/Documents/CPRF/feb_2006.pdf

www.commongroundnews.org/article.php?id=21764&lan=en&sp=0

www.sfcg.org/Documents/CPRF/CPRFJune2000.pdf

WWW.insideiran.org

25- Persian.iran.usembassy.gov/nycwrestling.htm

www.sfcg.org/Documents/CPRF/CPRFJune2000.pdf

WWW.Usaid.gov/our work/humanitarian assistance/disaster assistance/.

iranprimer.usip.org/blog/2013/may/13/sport-iran-and-us-wrestle-different-way

www.sfcg.org

www.fta.fulbrightonline.org/about-program-history.html

www.washingtonpost.com/wpsrv/ inatl/zforum/99/inatl081099.htm

www.wisegeek.com/what-is-medical-diplomacy.htm

WWW.Usaid.gov/our work/humanitarian assistance/disaster assistance/.

www.AmericanSecurityProject.org, Livia Pontes Fialho and Matthew Wallin, August 2013, reaching for an Audience U.S public diplomacy towards Iran

www.Arshives.gov

www.Aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1_1352801489p1.php. (mansori,javad,91).